



علی پورمحمدان جوان

کارشناسان در میزگرد «جوان» با موضوع نقش زنان در گام دوم انقلاب عنوان کردند

زنان در متن بیانیه گام دوم جای دارند

الگوی زن نه شرقی، نه غربی در گام نخست انقلاب به جهان ارائه شد

انقلاب اسلامی ایران انقلابی مر دانه نبود. زنان از نخستین سنگ بنای انقلاب در سال‌های حکومت پهلوی اول و ماجرای فرمان کشف حجاب به شکلی جدی نقش آفرینی خود را آغاز کردند و برای دفاع از ارزش‌هایی که به آن باور داشتند، در برابر فرمان رضاخان ایستادند و در این مسیر از جانشان ما به گذاشتند. بعدها که هسته‌های اولیه انقلاب با حضور و رهبری امام شکل جدی تری به وجود گرفت، حضور زنان نیز جدی تر و تأثیرگذار تر شد و اگر چه مبارزات آنها به شکل سازمان یافته نبود اما هر جا که احساس می کردند حضور شان لازم است به زبیا ترین وجه ممکن نقش آفرینی می کردند. زنانی که در مکتب

انقلاب و در گفتمان ناب امام به زن تراز انقلاب اسلامی ارتقا یافته بودند، در دوران دفاع مقدس اوج جایگاه زن در جامعه را به نمایش گذاشتند.مادران و همسرانی که نه فقط مانع حضور عزیزانشان در جبهه نبودند بلکه خود مشوق آنها نیز بودند و حتی بازگشت پیکری بی جان عزیزانشان آنها را در مسیری که با اطمینانی طی می کردند سرد نمی کرد و خم به ابرو نمی آوردند. پایان دوران دفاع مقدس و تغییر در ساختارهای جامعه به سمت ارزش‌های جوامع لیبرالی اما در مواردی زنان نسل‌های جدید تر از زن تراز انقلاب اسلامی و الگوی زن نه شرقی نه غربی دور و منحرف کرد. اگر چه هنوز هم تبلور این الگو از زن تراز

را که در این مسیر انجام دادند، این بود که زنان در عرصه اجتماعی در قالب اشتغال بتوانند حضور داشته باشند. غافل از اینکه همین اشتغال در پارادایم نظام سرمایه‌داری فمینیستی در خدمت نظام سرمایه‌داری قرار گرفت و نتوانستند آن را کنترل و مهار کنند. اما در دوران انقلاب اسلامی حضور اجتماعی زنان از جنس هدایت‌کنندگی و رهبری بود و حضرت امام مدام بر این حضور تأکید داشت و اما متأسفانه یکسری تغییراتی در این حرکت شکل گرفت که با خاتمه دوران دفاع مقدس و در دورانی که ما اصطلاحاً ثبات جمهوری اسلامی ایران را در پی داریم، این سرمایه

یک زاویه جدی با اقتضانات خاص خودش پیدا می کند و به مدل‌های غربی حضور اجتماعی زنان نزدیک می‌شود. عامل این تغییر و تحول هم تغییر و تحولات جهانی و رشد مدرنیته در دنیاست،از سوی دیگر هم عملکرد ساختارهای اجتماعی و تحولات سیاسی و بنیادی می‌شود و به خصوص قوه مجریه و قوه مقننه موجب این تغییرات می‌شود. یعنی دولت‌های ما پس از انقلاب دولت‌هایی بودند که موجب شدند مسیر حرکت زنی که در دوره انقلاب خلق شده بود، دچار تغییر و تحولاتی شود که الان در گام دوم با نگاهی به مسیر طی شده با دو فضای متفاوت در حوزه زنان در گام نخست انقلاب مواجهیم. یک قسمت حضور مطلوب زنان در دوران نخست انقلاب و دفاع مقدس و بخش دیگر مسیر تا حدود نامطلوبی که ساختارهای حاکمیتی در حوزه زنان رقم زدند و الان در گام دوم باید با نگاه آسیب‌شناسانه ورود کنیم.

به نظر می‌رسد این آسیب‌شناسی در سایر بخش‌های جامعه نیز تا حدودی وجود دارد و می‌توان حوزه‌های مختلف کشور را در دو بخش دوران دفاع مقدس و بعد از دوران دفاع مقدس تقسیم کرد و مورد بررسی قرار داد. سؤا ل اینجاست که چرا اساسی چنین اتفاقی هستیم. آیا بعد از دوران دفاع مقدس گفتمان انقلاب اسلامی غلبه خود را از دست داد؟

خادمی: اجازه دهید من روی این نکته تأکید کنم که درست است ما در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درباره دوران دفاع مقدس و دوران بعد از آن بحث‌هایی داریم اما باید توجه داشت به طور مثال در حوزه اقتصادی ما از ابتدا مدلی برای بانکداری اسلامی یا مدل اقتصاد اسلامی نداشتیم و برای آن سازوکاری طراحی نکرده بودیم و تجربه‌ای در این زمینه نداشتیم که بتوانیم راه‌های جدیدی که آنها را از دست داده‌ایم، ما در این حوزه الگو و دستاورد را داشته‌ایم و مدعی آن دستاورد بوده‌ایم و معتقد بودیم الگویی جهانی داریم و حالا این الگوی جهانی را از دست داده‌ایم و این خسران بزرگ‌تری نسبت به حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ محسوب می‌شود و نمی‌توان نسبت به آن اغماض کرد.

شما عامل از دست دادن الگوی مطلوب حضور اجتماعی زنان را در ادامه مسیر گام دوم انقلاب چه می‌دانید؟

قسمت عمده‌ای از این ماجرا به غریب و مهجور بودن گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زنان بازمی‌گردد و به جز رهبران و ثنوریسن‌های انقلاب، کمتر فرد حقیقی

و ساختارهای حقوقی منطبق با قرائت گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زنان رفتار می‌کند. یعنی اساساً رجال سیاسی متولی امور فهمشان از مسئله زن و هویت زن با آنچه انقلاب اسلامی از زن ارائه می‌دهد، فاصله دارند و یا آن را تکثر آرا مواجه و نسبت به آن گزینشی عمل می‌کنند و حتی در پس ذهن مسئولان و گرداندن‌گان اجرائی، قانونگذاری و سیاستگذاری ما زن با شکل زن غربی در خدمت توسعه است یا به شکل ذهنیت زن در نگاه سنتی. مطمئناً ما در حوزه زن و خانواده با چالش مواجه می‌شویم اما در مجموع می‌توان گفت ما در گام اول انقلاب دستاوردهایی را در حوزه زنان داشتیم که بعدها در آن تغییر و تبدیل صورت گرفت و در گام دوم باید یک نگاه الگوبر دارانه و بازگشت به گذشته برای زنی که در ابتدای انقلاب بود را داشته باشیم و یک نگاه آسیب‌شناسانه درباره زنی که بعد از دوران دفاع مقدس شکل گرفت.

خانم اردبیلی! تحلیل شما نسبت به بیانیه گام دوم و زنان چیست؟

اردبیلی: در بیانیه گام دوم در دوران ۴۰ سالگی انقلاب چند نکته ناگفته مفروض است. یکی اینکه گام اول برداشته شده است و ما در عرصه‌های جلو رفته‌ایم. کمترین اتفاقی که افتاده این است که گفتمان انقلاب توانست زنان را از محکومیت به دو نگاه مصلح شرقی



اردبیلی: پارادایم متناقض را در الگوی اشتغال زنان می‌بینیم که یک الگوی اشتغال غربی و غیر منقطع و رقابتی و تحت همان ساختارها قرار دارد که ایجاب می‌کند زن انقلابی که می‌خواهد نقش آفرینی اجتماعی داشته باشد، تحت همان ساختارهای غربی ایسن نقش‌آفرینی‌اش را انجام دهد. اما این تناقض است و امکانپذیر نیست. اما غربی ایسن نقش آفرینی‌اش را انجام دهد. این تناقض است و امکانپذیر نیست. اما ساختارها هیچ گاه خودش را منقطع نکرد و اصلاً برای چنین وضعیتی طراحی نشد

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش جامعه نیروی انسانی است و این نیروی انسانی مستعد و کارآمد جمعیت جوان زیر ۴۰ سال است. ۳۶ میلیون در سنین ۱۵ تا ۴۰ سالگی و ۱۶ میلیون دارای تحصیلات عالی، انبوه جوانانی است که آماده تلاش جهادی برای کشورند.
خب در عمل نیمی از این جمعیت خانم‌ها هستند. به هیچ وجه در ارائه آمارها زنان و مردان جدا نشده‌اند و اصلاً کندی نبوده و پیشفرض گرفته شده که زنان هم در همه عرصه‌های توانند و باید تلاش جهادی برای ارتقای کشور داشته باشند.

بحث دیگری که در این بیانیه مطرح است، بحث جوانگرایی است که هم امید می‌رود جوانان که تقریباً همگی دست پرورده و نسل انقلاب هستند و تعدادشان هم زیاد است و سرمایه بزرگی در دنیا محسوب می‌شوند باید به میدان بیایند و سرعت عظیمی در تحقق گام دوم انقلاب ایجاد کنند. این مسئله مستلزم دو عرصه است. یکی اینکه فرصت و اقبال به نسل جوان ایجاد شود و دوم اینکه نسل جوان باید بدانند از لحظه صدور بیانیه گام دوم نقش آفرین است و نباید منتظر ایجاد فرصت باشد، بلکه خودش باید برای ایسن نقش آفرینی فرصت ایجاد نماید.

در جمع‌بندی صحبت‌هایم باید بگویم ما در این ۴۰سال انقلاب اسلامی به بلوغی رسیده‌ایم که زنان در همه ابعاد دستاوردها و آینده انقلاب و فرصت‌های کشور در سطر به سطر بیانیه گام دوم تنیده شده‌اند. ما ملتی نیستیم که در آستانه گام دوم زنان مان با رقابت خودشان را ثابت کنند و جایی برای خودشان باز کنند یا مثل کشورهای همسایه به زنان یکسری امتیازاتی بدهیم و به آنها ارفاقی بکنیم و برای فرصت‌های تصمیم‌سازی یک جایی به آنها بدهیم. زنان ما در متن انقلاب و از نظر رهبری تک‌تک شان در گام دوم نقش آفرین هستند.

خانم خادمی! نظر شما درباره اینکه بیانیه گام دوم خطاب مستقیمی برای زنان ندارد، چیست؟ آیا شما هم با نظر خانم دکتر اردبیلی درباره اینکه زنان در متن و بطن این بیانیه جای دارند موافقت یا نظر دیگری دارید؟

خادمی: بله حتی فراتر از اینکه بخواند نسبت به نقش زن و مرد اطلاق جنسیتی با تفکیک شود، در بیانیه گام دوم کلان انقلاب اسلامی را می‌بینیم و حتی رهبری در ساختارها هم متمرکز نمی‌شوند و خطایی به ساختارهای موجود هم ندارند. گویا قرار است جوشش و خروشی شکل بگیرد که از جنس انقلاب سال ۵۷ است. بیانیه گام دوم به دنبال یک احیاکنندگی است و این احیا شدن از جنس انقلاب ۵۷ است و همانطور که در آن سال کلان مردم ایران مخاطب امام بودند و ارزش‌های انقلاب به صورت عام مطرح می‌شد، گام دوم هم با عدم تمرکز بر جنسیت، عدم تمرکز بر ساختار انقلابی بودن خود را نشان می‌دهد. با توجه به فضای که بعد از انقلاب و در دوران دفاع مقدس برای زنان داشتیم می‌توانیم اینگونه نتیجه‌گیری کنیم که بیانیه گام دوم در زنان انقلاب این انگیزه را ایجاد می‌کند که قرار است رویدادی شبیه رویداد سال ۵۷ شکل بگیرد و نسبت زنان امروز ما با این رویداد همان نسبت دوم در با انقلاب اسلامی سال ۵۷ است. در واقع ما می‌توانیم بیانیه گام دوم را انقلابی در ۴۰ سالگی انقلاب تحلیل کنیم چون در این بیانیه مدام بر ارزش‌های انقلابی تأکید می‌شود.

با آسیب‌شناسی گام نخست می‌بینیم که در برخی مسیرها از ارزش‌های انقلاب دور شده‌ایم و به نظر می‌رسد بیانیه گام دوم بر بازگشت به مسیر ارزش‌های انقلاب تأکید دارد. نظر شما چیست؟

خادمی: بله همینطور است و موضوع دیگری که فضای این بیانیه را برای جامعه زنان خاص می‌کند، توجه به مفهوم امت است. رابطه امام- امت که خود قابلیت نظر به‌پیردازی دارد و به عنوان تفکر خاص شیعه مطرح است. این رابطه امام- گام در بیانیه گام دوم موج می‌زند. در آسیب‌شناسی ما اولاً می‌بینیم که در حوزه زنان زخم خورده ساختارها هستیم اما در گام دوم هیچ صحبتی از این ساختارها نشده است و شاید امیدواری زنان به اثرگذاری‌شان در جامعه و به واسطه همین اطلاق «مردم» در متن بیانیه وجودشان شود و زنان این ظرفیت را دارند که برای تک‌تک بادهایی که در فرآزهای بیانیه گام دوم برای آینده وجود دارد نقش آفرینی کنند.

خانم اردبیلی! شما در صحبت‌هایتان اشاره داشتید که در آغاز انقلاب ما توانستیم به الگوی زن انقلابی با همان الگوی سوسمی که رهبر معظم انقلاب مدنظرشان است رسیدیم اما بعد ترها به دلایل مختلفی از این الگوی مطلوب فاصله گرفتیم و الگوی زن اجتماعی و فعال در جامعه امروزی ما به سمت فاکتورهایی از زن فعال در جامعه غربی گرایش پیدا کرد. ما چگونه می‌توانیم جایگاه الگوی سوم زن در گفتمان انقلاب اسلامی را در جامعه امروز و با شرایط کنونی دنیا تبیین کنیم؟

اردبیلی: یک جوشش و انگیزشی اول انقلاب بود و زنانی در عرصه‌های انقلاب ظهور پیدا کردند که با دو مدل زن شرقی و زن غربی متفاوت بود. این زنان حماسه‌هایی را خلق کردند و نقش آفرینی داشتند.

مصادیق آن را هم بفرمایید.
اردبیلی: اتفاقاً در بیانیه گام دوم این مصادیق آورده شده‌است. به طور نمونه همسر شهیدی که او را برای رفتن به جبهه بررقه می‌کرد یا وجودی که می‌دانست همه عشقش، همه هستی‌اش ممکن است در عرصه جنگ آسیب ببینند یا کشته شود، اما متوجه عرصه تقابل میان جهان اسلام و کفر بود، بنابراین این کار

را انجام می‌داد. اگر چه ساختارها هنوز هم بعد از ۴۰ سال همراه نشده است، اما امت انقلاب همراهی بی‌نظیری با پدیده انقلاب پیدا کرده بودند. اینجا بود که وقتی پیکر شهیدی را برای همسر یا مادرش می‌آوردند او با سجده شکر به استقبال این مصیبت بزرگ زندگی خود می‌رفت. کماکان هم بقایای این سرمایه اجتماعی بزرگ در جامعه ما موجود است حتی اگر مقداری از اوج فاصله گرفته‌ایم با این اوج به نسل بعد کمتر منتقل شده باشد یا به طور مثال شما خانم دیباغ را در نظر بگیرید. بانویی که در گفتمان انقلاب و ذیل فعالیت‌های انقلابی زندان رفت، شکنجه شد، چریک بود و با امام تبعید رفت، فرمانده سپاه همدان شد، حامل فرمان تاریخی امام شد و در کنار همه اینها همسر و مادر هشت فرزند بود. ما نمی‌گوییم تک‌الگو باشیم اما چنین الگوهایی در دوران انقلاب وجود داشت یا حماسه‌های همسران و مادران شهیدا سطح بالایی از بلوغ اجتماعی را می‌طلبید که ما در جامعه بعد از انقلاب شاهد آن بودیم. اما بعدها یک کم کاری‌هایی در این عرصه اتفاق افتاد و موجب شد از آن شور انقلابی و تبلور صداقت، ایثار، فداکاری و گذشت فاصله بگیریم؛ چراکه نهاد‌های ما نتوانستند این شور را در درون خود نهادینه کنند و در ساختارهای آموزشی ما اینها مسئله اول نباشد. ما کماکان ساختارهایی داریم که با میراث سیستم‌های عقب‌مانده گذشته بود یا میراث ورود یکسری نظرات، تفکرها و ساختارهایی از غرب ما اینها را هم در کنار گفتمان انقلابی خودمان داشتیم و داریم که در مقابل نفوذ گفتمان انقلاب



خادمی: اما در دوران انقلاب اسلامی هدایت‌کنندگی و رهبری بود و حضرت امام مدام بر این حضور تأکید داشت اما متأسفانه یکسری تغییراتی در این حرکت شکل گرفت که با خاتمه دوران دفاع مقدس و در دورانی که ما اصطلاحاً ثبات جمهوری اسلامی ایران را در پی داریم، این سرمایه عظیم دچار تغییر و تحولات اساسی و بنیادی می‌شود و یک زاویه جدی با اقتضانات خاص خودش پیدا می‌کند و به مدل‌های غربی حضور اجتماعی زنان نزدیک می‌شود. عامل این تغییر و تحول هم تغییر و تحولات جهانی و رشد مدرنیته در دنیاست،از سوی دیگر هم عملکرد ساختارهای ما خصوصاً قوه مجریه و قوه مقننه موجب این تغییرات می‌شود

اسلامی به درون خودشان مقاومت می‌کردند و هنوز هم این مقاومت ادامه دار.

در مقاطعی شاهد حاکمیت پارادایم‌های متناقض در کشور هستیم که انعکاس این پارادایم‌ها در حوزه

زنان آرا بردی را بر جای می‌گذارد.

مصادیقی بترگویند.

اردبیلی: به طور مثال ایسن پارادایم متناقض را در الگوی اشتغال زنان می‌بینیم که یک الگوی اشتغال غربی و غیر منقطع و رقابتی و تحت همان ساختارها قرار دارد که ایجاب می‌کند زن انقلابی که می‌خواهد نقش آفرینی اجتماعی داشته باشد، تحت همان ساختارهای غربی ایسن نقش‌آفرینی‌اش را انجام دهد. اما این تناقض است و امکانپذیر نیست. اما ساختارها هیچ گاه خودش را منقطع نکرد و اصلاً برای چنین وضعیتی طراحی نشد.

این افولی که در حوزه زنان احساس می‌کنیم ناشی از این تعارض‌ها و تناقض‌هاست. در واقع افول ما از قول ارزش‌های انقلاب نیست، بلکه این افول ناشی از خستگی نیروهای انقلابی از این تقابل‌هایی است که انگار راهی برایش پیدا نشد. گام دوم بناسست اینها را بشکند و دوباره انگیزه‌ها را ارتقا دهد و بر ساختارها حاکم کند. در واقع در گام اول انقلاب ما با آنها بروز پارادایم زن انقلابی و الگوی سوم مواجه بودیم که اتفاق افتاد و حالا غلبه این پارادایم مطرح است و اگر این غلبه اتفاق بیفتد، یک اتفاق تمدنی است. در حوزه زنان در رسانه‌ها هم ما مشکل داریم و کم‌اکت.

تصویری که سینما، تلویزیون و سایر رسانه‌های ما از زن عرضه می‌کند الگوی زن سوم انقلابی فاصله زیادی دارد. وقتی ما از خانم دیباغ صحبت می‌کنیم، هنوز بسطیاری از دختران جوان ما با آنها آشنایی ندارند. اگر این الگو مطلوبیت و خواستی بودن خودش را به عرصه بیاورد، نیازی نیست ما دختران جوانمان را با الزام و اجبار به سمت این الگو سوق دهیم. نسل جدید خودشان به سمت این الگو خواهند دود. برای تحقق بیانیه گام دوم کار زیاد است، اما روح بیانیه تأکید می‌کند که این کار شدنی است.